

غزل شماره ۹۷

تویی که بر سرِ خوبانِ کشوری چون تاج
سَرَد اگر همه دلبِبران دَهَنَدَتِ باج

دو چشمِ شوخِ تو بر هم زده خطا و حبش
به چینِ زلفِ تو ما چین و هند داده خراج

بیاضِ رویِ تو روشن چو عارضِ رُخِ روز
سوادِ زلفِ سیاهِ تو هست ظلمتِ داج

دهانِ شهیدِ تو داده رواجِ آبِ خضر
لبِ چو قدِ تو بُرد از نباتِ مصر رواج

از این مرض به حقیقت شفا نخواهم یافت
که از تو دردِ دلِ ای جان، نمی رسد به علاج

چرا همی شکنی جانِ من ز سگدلی؟
دلِ ضعیف که باشد، به نازکی چو زُجاج

لبِ تو خضر و دهانِ تو آبِ حیوان است
قدِ تو سرو و میانِ موی و بر، به هیئتِ عاج

قادر دل حافظ هوایِ چون تو شوی
کینه ذره خاکِ در تو بودی کج

تفسیر فال

اینقدر ظاهربین نباش. ظواهر فریبنده و سطحی می‌توانند افراد را به راحتی گمراه کنند و متأسفانه، در بسیاری از موارد، دیگران از این نقاط ضعف سوء استفاده می‌کنند. تو فکر می‌کنی اگر جواب رد بشنوی، تمام امیدهایت نابود می‌شود و تنها راه درمان دردهای عاطفی‌ات را در رسیدن به یاری جستجو می‌کنی که کوچکترین توجهی به تو ندارد. اما باید بدانی که زندگی فراتر از این تصویرهای محدود است؛ خودت را خسته نکن و به خاطر احساسات زودگذر و غیرقابل اعتماد روح خود را آزاده مکن. هر انسانی شایسته‌ی عشق و احترام است و نباید اجازه بدهی که واقعیات سطحی تو را از مسیر رشد و پیشرفت دورت کند.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)